

زنان موسیقی نواحی کرمان فواد توحیدی

در طی پژوهش هایی که از چند سال گذشته در مورد موسیقی استان کرمان آغاز شده است حضور پررنگ و درخشان زنان استان در این عرصه بسیار جالب توجه است، هر چند که به علت گستردگی و پراکندگی بسیار زیاد قبایل و اقوام هنوز این تحقیقات به نقطه نهایی نرسیده ولی می تواند نقطه عطفی برای شناخت داشته های ناشناخته پیرامون این استان باشد. موسیقی زنان نواحی کرمان را می توان به چند دسته تقسیم نمود:

۱ لالایی ها

۲ ترانه های کار

۳ ترانه های شادمانی

۴ ترانه های روایی و حماسی

۵ سوگ آواها

قبل از تعریف باید به این نکته توجه کنیم که پیوند عمیق و گره خورده موسیقی عشایری استان کرمان با موسیقی بومی و حتی در بعضی موارد موسیقی کولی ها، تفکیک بین آنها را تا حد زیادی غیر ممکن کرده است به طوری که تفاوت چندانی را در اجرای مقام ها و ترانه های رایج آنها حس نمی کنیم می توان گفت که عشایر و کولیان عاملان اصلی انتقال و داد و ستد فرهنگ و آداب و رسوم خود و سایر مناطق استان بوده و هستند.

۱ لالایی‌ها

شاید اولین قطعه موسیقایی که در زندگی هر کس شنیده می‌شود لالایی است. لالایی‌ها در استان کرمان با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و گویش‌های منطقه ای با تنوع بسیار زیادی اجرا می‌شود، چون به نظر می‌رسد برای کودک فقط بار موسیقایی لالایی و آرامش یافتن او از شنیدن فرکانس‌های منظم حاصل، مد نظر است. اشعار لالایی بیشتر درد دلها، بیان رنج‌ها و ابراز محبت‌هایی است که مادران با فرزندان خود دارند، بدون اینکه توقع درک و فهمی واقعی را از طرف مقابل داشته باشند و می‌توان گفت در اکثر مواقع مجری لالایی نیز از خواندن آن به آرامش می‌رسد. به طور کلی هیچ ناحیه ای در استان کرمان وجود ندارد که در آن لالایی اجرا نشود و این لالایی‌ها را می‌توان بر اساس گویش اشعار و فرم‌های اجرایی به قسمت‌های مختلفی تقسیم کرد. برای مثال موضوع اشعار لالایی‌های اطراف رودبار به علت روحیه جنگاوری و حماسی منطقه، بیشتر به جنگ و دلآوری می‌پردازد ولی در بین عشایر منطقه بافت موضوع اشعار بیشتر به کوچ و غربت و انتظار می‌پردازد. در اینجا چند نمونه از لالایی‌ها را ذکر می‌کنیم:

الا لالا گل لاله

پلنگ بر کوه می‌ناله

پلنگ پیر صد ساله

به مثل من نمی‌ناله

الا لالا گل خشخاش

بابات رفته خدا همراهش

بخواب یارم به گهواره

که بابات رفته کرمانه

الا لالا گل زیره

که ممدخان به زنجیره

چرا خصمش نمی‌میره
 که تا دنیا قرار گیره
 الا لا لا گل نعنا
 که تا خورشید می‌آد بالا
 در این کوچه نری تنها
 سرت را می‌برند از راه

۲ ترانه‌های کار

زنان استان متناسب با کار و پیشه خود ترانه‌هایی را زمزمه می‌کنند که قابل توجه می‌باشند. این ترانه‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود، نخست ترانه‌هایی که جنبه کاری دارند و نبود آنها باعث اخلال در کار می‌شود مانند ترانه‌های نقش‌خوانی در قالیباف‌خانه و ترانه‌هایی که برای رفع خستگی و دلتنگی خوانده می‌شود مانند ترانه‌های کوچ، ترانه‌های مخصوص کاشت و برداشت محصول و ترانه‌های پته‌دوزی و شیرینی‌پزی.

از میان ترانه‌های ذکر شده، ترانه‌های قالیباف‌خانه‌های کرمان، و به علت اعتبار و شهرتی که قالی کرمان در دنیا دارد توضیح و بیشتری را می‌طلبید. موسیقی قالیباف‌خانه، مجموعه‌ای است، از میراث شفاهی هنرمندان قالیباف که نسل به نسل منتقل شده و هنوز هم در مراکز قالیبافی استان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. کرمان، راور و سیرجان سه قطب مهم قالیبافی استان به شمار می‌روند. در کارگاه‌های قالیبافی یک نفر با نام نقش‌خوان با توجه به نقش و رنگ، جملاتی را ادا می‌کند و بافندگان او را همراهی می‌کنند. نقش‌خوانی به عهده یکی از استادان و پیشکسوتان کارگاه قالیبافی است.

اکثر نقش خوانها دارای صدایی رسا و خوش هستند و گاهی در بین نقش خوانی به خواندن آوازهای غریبی می‌پردازند. در این قسمت نمونه ای از متن نقش خوانی را ذکر می‌کنیم:

اولش دوغی جاخو، لاکی پیش اومد. لاکی جاخو آخرش هم پیش اومد شد، چهره‌ای پشرفت، دوغی سه تا تار و یکی سر، بچینین هی جا خوچیندم، آخر پیش اومد، بیشتر پشرفت شد. سرش جاخو رفت، جاخو پن و ش یکی جاخو، یوشکی دو تا سنجتی نو، دوشکی دوغی جاخو دوتا هم سورمه‌ای، پیش سه تالاکی سر، سره جاخو دوباره دارچینی، دووش قهوه‌ای، پیش اومد، سنجتی آخرش جاخو، چاره او شکی پیش اومد و... .

۳ ترانه‌های شادمانی

زنان سهم بسیار زیادی را در اجرای نغمات و ترانه‌های شادمانی در استان کرمان به عهده دارند البته از دو دهه گذشته به دلیل محدودیت‌های اعمال شده این نقش کم‌رنگ‌تر شده ولی هنوز هم اجرای بسیاری از مقام‌ها، که در استان کرمان به «رو» معروف‌اند به عهده زن‌ها می‌باشد. معروف‌ترین این روها عبارت‌اند از: مولودی خوانی، خیلون یا مردم خوانی، سرآسیابی و قربونی، حنابندون، سرتراش، سراً (سرآب) در حمومی، اجاق بوس، بیرقی، آوادون، پاتختی، حجله روون یا حجله گشون و دسمال بازی (دسمال گردون).

مولودی خوانی:

مولودی از رسم‌های کهن کرمانیان بشمار می‌آید. شاید بدانید کرمان خاستگاه یکی از سلسله‌های مهم تصوف یعنی نعمت الهی می‌باشد و دراویش این سلسله آیین‌های باشکوه و خاصی را در اعیاد مذهبی و همچنین تولد اقطاب و عرفا اجرا می‌کنند که یکی از مهم‌ترین آنها تولد حضرت علی (ع) است. زنان صوفی تب جشنی را در خانقاه و یا یکی از خانه‌ها به میمنت این روز خجسته برگزار می‌کنند و در آن مراسم دختران سفیدپوش به نواختن دپ (دایره مخصوص دراویش و زرتشتیان کرمان) و خواندن ترانه‌های عرفانی می‌پردازند و سائرین با کف زدن و دم گرفتن به شادی و سماع می‌پردازند.

به غیر از صوفیه سایر زنان استان نیز مراسم مولودی را برگزار می‌نمایند و در آن از ساز دایره استفاده می‌کنند.

خیلوون (مردم خوانی):

بعد از مراسم خواستگاری و تعیین روز عروسی، گروهی از طایفه عروس و داماد که بیشتر آنها دختران و پسران جوان به همراه بزرگترهای فامیل هستند برای دعوت از مهمان‌ها به در خانه‌ها می‌روند و گروهی با زدن دایره و خواندن شعر آنها را همراهی می‌کنند.

آی خانومای پاشنه طلا

آی پاگذارید عیش* ما

عاروس ما گل دسته

کاریش ندارین خسته

* در استان کرمان به مراسم عروسی، عیش گفته می‌شود.

ای مبارک ای مبارک

ای مبارک هردوتون

خانم عروس شازده دومات

زنده باشین ما نبینیم داغتون

سر آسیابی و قربونی:

این ترانه‌ها وقتی خوانده می‌شود که خانواده داماد برای گرفتن آرد به آسیاب می‌روند تا با آن نان مراسم عروسی را تهیه کنند. بعد از تهیه آرد هم گوسفندهایی را سر می‌برند تا از گوشت آنها برای مراسم استفاده نمایند. زنان با گفتن «هی هی» و اذکار موسیقایی و خواندن اشعار مردان را همراهی می‌کنند.

چشم خوشه، ابرو خوشه؛ کمند رندی می‌کشه

من بنازم شست داماد، قوچ کوهی می‌کشه

حنا بندون:

این مقام توسط زنان و دختران و در موقع حنا کردن دست و پای عروس و داماد اجرا می‌شود.

دوماد حنات می‌بندیم
 وردست و پات می‌بندیم
 اگه حنا نباشه
 تنگ طالات می‌بندیم
 و یا:
 دومات حنا بندونته
 گوشه لب خندونته
 چرخ فلک با مشتری
 عالم همش حیرونته
 و یا:
 شیر دوماد لب شکر
 دستا حناییت ور کمر
 شیر با شیر بازی کنه
 کاکای دوماد ور سفر

سر تراش:

قبل از اینکه داماد را برای حمام کردن به سرچشمه یا قنات ببرند مو و ریش او را کوتاه می‌کنند در موقع انجام این مراسم خانم‌ها این ترانه را می‌خوانند:

سر دوماد می‌تراشن من به قربون سرش
 من بنازم شست باباش با تدارک دیدنش!

سراً (سرآب):

بعد از مراسم سرتراش داماد را به سراب می‌برند و حمام می‌کنند و بعد از پوشیدن لباس‌های تو، سوار بر اسب و برای دعا به سمت زیارتگاه می‌برند در این فاصله مردان و زن‌ها با هم ترانه می‌خوانند و دهل و سرنا آنها را همراهی می‌کند.

در حمومی:

این ترانه برای آوردن عروس از حمام و در ورودی آن اجرا می‌شود و خانم‌ها در حال خواندن به کف زدن، دایره زدن و کُلُّو کشیدن (کل کشیدن و هلهله) مشغول می‌شوند.

عروس ورخیز که وقت رفتنت شد
که مادر شوت به جای مادرت شد

اجاق بوس:

این مقام توسط یکی از خانم‌ها و برای بردن عروس از خانه پدر خوانده می‌شود. رسم بر این است که نانی به کمر عروس می‌بندند و عروس قبل از رفتن از خانه پدر باید اجاق و تنور خانه او را ببوسد که نشان از حق شناسی و حرمت وی به پدر است. این مقام بسیار حزين اجرا می‌شود و از طرف مادر و یا خواهر عروس خوانده می‌شود. عروس نیز گاهی با چشم اشکبار این مقام را همراهی می‌کند.

عروس که کردم خبرت
نونی ببند ور کمرت
امرو پسین می‌برنت
ببوس اجاق پدرت
گل وخی چادر به سر کن
حالا وقت رفتنه
والا بلا من نمی‌رم
خونه بابا بهتره
نون گندم با برنج بندری
خونه شوهر نون ارزن با چماق ارچنی.

بیرقی:

معمولاً درختی را جلوی خانه داماد می‌گذارند و روی آن را به زیبایی با پارچه‌های رنگی و بیشتر سبز رنگ تزئین می‌کنند. بر بالای شاخه‌ها هم یک سیب و دو انار می‌بندند و به این درخت بیرق داماد می‌گویند، بعد همه با هم می‌خوانند.

ای گل نما، آی گل نما

بیرق دوماد می‌نما

آوادون:

یکی از مشهورترین آوازهای شادمانی عروسی در استان کرمان آوادون است، و طرز اجرای آن به این صورت است که دو زن یا دختر روبه روی هم می‌نشینند و یکی از دست‌ها را مانند قاریان، کنار گوش می‌گذارند و با هم شروع به خواندن آوادون می‌کنند. لباس خوانندگان آوادون یک رنگ است و سربندهای سکه دوزی شده آنان بسیار زیباست.

این قدر راه اومدم تا سیل گل جا کنم

این قدرت امشو که داری، من چه طو سودا کنم

سوزنت باریک باریکه هم قد عاروس ما

رخت بدوزه طرح کرمون گل پسند عاروس ما

حجله روون:

عروس و داماد توسط بزرگان فامیل دست در دست هم با ریتم تندی می‌چرخند و بقیه با دم گرفتن و دایره زدن به دورشان حلقه می‌زنند و می‌خوانند.

آسمون پرستاره پاره بازی می‌کنه

دست دوماد در حنای نو مزه بازی می‌کنه

آفتابم در بلندی سیر عالم می‌کنه

آتشم هرجا بیفته جای خود وا می‌کنه

کیسته کیسته توی حجله؟ شیردوماد با زنش

کی بگرده دور حجله؟ خواهر کوچک‌ترش

پاتختی و حجله‌گشون:

در مراسم پاتختی دخترها با خواندن ترانه و دایره زدن به شادمانی می‌پردازند. حجله‌گشون هم وقتی خوانده می‌شود که عروس و داماد بعد از سه روز از حجله بیرون می‌آیند. در این مراسم بیشتر از دهل و سرنا استفاده می‌شود.

الا دوماد بنازم تخت بخت
به ابریشم بدوزم دست رخت
کنیز از من غلام از ملک کرمون
مرخم کن برقصم پای تخت

دسمال گردون (دسمال بازی):

در استان، مشهورترین مقام رقص برای خانم‌ها دسمال بازی است و برای مردان ترکه‌بازی و چوبازی (چوچاب) این مقام‌ها به همراه ساز (سرنا) و دهل و در منطقه سیرجان به همراه ساز و دهل و نقاره انجام می‌گیرد.

نحوه اجرای رقص به این صورت است که زنان و دختران دستمال‌های رنگی و در مناطقی مانند بم، دستمال‌های سیاهی را در دست می‌چرخانند و به همراه صدای ساز به رقص می‌پردازند.

هماهنگی خیره‌کننده زنان و دختران در اجرای این رقص از جنبه‌های بصری ممتاز دسمال گردون است.

۴ ترانه‌های روایی و حماسی

این ترانه‌ها معمولاً بیان قصه‌هایی است با مضمون‌های عاشقانه و یا حماسی از مهم‌ترین این ترانه‌ها می‌توان به مغول دختر، عیسی‌خان، مهدی جان و گرامی‌خان، کلو و ... اشاره کرد.

اسب کردند کردی قشو
رفتگی به دعوا نصف شو
اسب کردند کردی تو زین
دشمن نشسته ور کمین

ننه رودم گرامی خان
 شیرم حالالت مادر جان
 گرامی خانم شد سوار
 رو ور یمین پشت ور یسار
 دشمن به گردش صد هزار
 ای داد هوار ای داد هوار
 ننه رودم گرامی خان
 شیرم حالالت مادر جان
 کفشای گرامی گیوه شد
 زن جوونش بیوه شد
 جمعی به رودم خیره شد
 خون از دلم بر دیده شد
 ننه رودم گرامی خان
 شیرم حالالت مادر جان

۵ سوگ آواها

آوازهایی هستند که در ماتم عزیزان با معشوق از دست رفته خوانده می شود و به چند نوع تقسیم می شوند:

۱ کرتی خونی (کردی خونی) ۲ غریبی خونی ۳ بیابانی.

این آواها ناله هایی شده است از دل که هر شنونده ای را تحت تأثیر قرار می دهد. کرت به معنی زمین کاشته شده از محصول است و کری خوانی آوازهای غم انگیزی بوده که در حین کشاورزی خوانده می شده است اکنون کرتی خوانی مقامی است که به همراه نی و سرنا خوانده می شود. غریبی خوانی هم که در بعضی مناطق استان به آن غربتی یا چاربیتو می گویند از مقام های اصیل و بکر ایرانی است. به گفته محمدرضا درویشی، دکتر روح الامینی و منوچهر آتشی، روستاهای کرمان از خاستگاه های اصلی و ناشناخته شروه خوانی مناطق جنوب و به خصوص بوشهر بوده است. به گفته اینان

شواهد زنده ای در دست است که شروه ابتدا در کرمان و در مناطق دیگری که پارسیان اصیل می‌زیسته اند رواج داشته و اکنون هم به نام غریبی خوانی رایج است. کرتی خوانی و غریبی خوانی در تمام مناطق استان با اشعار و فرم‌های آوازی متفاوت و معمولاً به همراهی نی محلی و سرنا رایج است. بیابانی نیز مقامی است غم‌انگیز که مخصوص مناطق کهنوج و جیرفت می‌باشد و تم بلوچی نیز در اجرای آنها مشهود است.

نمونه ای از غریبی خوانی:
 ول من آی ول من، آی ول من
 به کرمون می‌برن آب و گل من
 به کرمون می‌برن قلیون بسازن
 که تا دلبر کشه دود از دل من